

روزی سخت برای جمهوری اسلامی روز قدرتمائی کارگران

اول ماه
۸۶



اول ماه مه امسال به صحنه رودرویی کارگران با جمهوری اسلامی تبدیل شد. تقابل تجمعات گسترده و مستقل کارگری و سخنرانی های فعالین کارگری علیه سرمایه داری و قطعنامه های رادیکال کارگران با مزدوران خانه کارگر.

در خلال برپائی تجمعات وسیع در این روز و چند روز قبل تر از آن، رژیم از هراس گسترش دامنه اعتراض و تجمع کارگران اقدام به دستگیری تعدادی از فعالین و رهبران کارگری در برخی از شهرها کرد و تلاش کرد با حضور نیروهای نظامی خود در شهرها و ایجاد فضای رعب و وحشت مانع برپایی تجمعات کارگری شود. علیرغم همه این تلاش ها به همت فعالین کارگری و سوسیالیستها در شهرها و مراکز

جنگ و هر نوع نابرابری و تبعیضی تبدیل کردند. اول ماه مه ۸۶ روزی سخت برای جمهوری اسلامی و روز خود نشان دادن آن نیرویی بود که آماده می شود تا بساط ستم و استثمار حاکم بر ایران را برچیند. قبل از همه چیز اطلاعاتی حزب ص ۲

تولیدی مختلف تجمعات کارگری مختلفی برپا شد. هزاران نفر در این تجمعات شرکت کردند، در این مراسم ها قطعنامه های کارگری رادیکال صادر کردند و این روز را به روز قدرت نمایی و اعتراض طبقه کارگر به جمهوری اسلامی، به سرمایه داری، به

اول ماه تلاشی برای اتحاد، جدالی علیه سرمایه



مختلف، ما شاهد تحركاتی نسبتاً وسیع در تهران و سمنندج هستیم. روز جمعه ۷ اردیبهشت کارگران و محافل و تشکلات مختلف کارگری، کانونهای مدافع زنان و کودکان و جمعهای زیادی از دانشجویان دانشگاههای تهران علیرغم فشار و تهدید نیروهای انتظامی، در آبشارخور روز کارگر را جشن گرفتند. در شهر تهران مراسم اعلام شده توسط خانه کارگر رژیم، به میدان اعتراض کارگران علیه موقعیت فلاکتبار زندگی و عاملان آن تبدیل شد. جالب این است که جمهوری اسلامی و خانه کارگرش با تمام نقشه هایی که ریخته بودند، جرئت نکردند حتی مراسم خانه کارگرشان و محل آن را از قبل اعلام کنند. درست صبح روز اول مه روزنامه های تهران محل مراسم خانه کارگر را اعلام کردند. میدانستند تجمع وسیع کارگران میتواند بساط آنها را به هم بزند و مراسم را به اعتراض کارگر به وجوه مختلف فلاکت و

خالد حاجی محمدی

اول ماه مه امسال شاهد تلاشهای زیادی از جانب فعالین کارگری و سوسیالیستها برای برپایی مراسمهای این روز بود. از منتهای قبل از اول ماه فعالین کارگری برای تدارک مراسمهای این روز دوره ای از جدل و تبادل نظر و مشورت را با هم پیش بردند. چگونگی برگزاری این مراسمها، خواست و مطالبات و قطعنامه کارگران در این روز، به میدان آوردن کارگران و مردم، سراسری کردن صف آرابی روز کارگر، قطعنامه و سخنرانی آن، چگونگی مقابله با پلیس و دهها سوال دیگر همراه با بحثهای مفید بر سر موقعیت جنبش کارگری و گرایشات مختلف آن، موانع پیشروی و ... مورد بحث بوده اند.

روز اول ماه جدا از جشن ها و تجمعات خانوادگی و جمعهای کوچک و بزرگ در شهرهای

محروریت و بانیان آن تبدیل کند. اینها به جایی نرسید، کارگران در این مراسم با طرح خواستها و مطالبات خود، با طنین کارگر، کارگر اتحاد اتحاد و کارگر معلم، دانشجو اتحاد، مشتی به دهان علیرضا محبوب و خانه کارگر زدند و در خیابانها با صف هزاران نفره خود راه افتادند و اعتراض خود را به نظم سرمایه اعلام کردند. در سمنندج مراسم کارگران این شهر از جانب کارگران رزیم مورد حمله قرار گرفت و ۱۴ نفر از کارگران دستگیر شدند و هم اکنون در زندانند. ص ۲

ترکیه، اول ماه مه برون رفت از بحران را

نشان میدهد محمود قزوینی ص ۳

اول ماه مه و کارگران افغانی برهان دیوارگر ص ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جمعه ها منتشر می شود!

۱۴۴

کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۶ - ۴ مه ۲۰۰۷

سردبیر: فواد عبداللہی fuad_1917@yahoo.com

www.hekmatist.com

جلسه گفت و شنود با رهبری حزب

کمونیست کارگری - حکمتیست

آمریکا، جمهوری اسلامی و

صفبندی جدید در اپوزیسیون

با حضور کورش مدرسی،

خالد حاجی محمدی، فاتح شیخ

استگهلم یکشنبه ۱۳ مه ساعت ۳ تا ۷ بعد از ظهر

Husby Traf

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست - استگهلم

برنامه های آزمایشی پرتو از کانال ۶

برنامه آزمایشی هر روزه تلویزیون پرتو از روز دوشنبه سوم اردیبهشت ۱۳۸۶ برابر با بیست و سوم آوریل ۲۰۰۷ از کانال ۶ روی ماهواره هات برد (Hotbird) پخش میشود.

مشخصات پخش به شرح زیر است:

Satellite: Hotbird 8 Channel 6

Orbital Position: 13 degrees East

Transponder: 14

Downlink Frequency: 11 470

Downlink Polarity: Vertical

FEC: 5/6

Symbol Rate: 27,500

از همه دوستان دعوت می کنیم که با تلویزیون پرتو همکاری کنند و مشخصات پخش برنامه های این تلویزیون را به اطلاع عموم برسانند.

در مورد دستگیرشدگان اول مه امسال را می خوانیم و بعد به گوشه هایی از این روز تاریخی نگاهی میندازیم.

دستگیرشدگان اول مه را نباید فراموش کرد

مراسم اول مه امسال سنندج با تعرض صدها نفر از مزدوران جمهوری اسلامی روبرو شد. در این ماجرا نیروهای رژیم ضمن ضرب و شتم کارگران، مجموعاً ۱۴ نفر را دستگیر کردند. تعدادی نیز در اثر تعرض این مزدوران زخمی شدند. در تهران نیز نیروهای انتظامی یعقوب سلیمی از اعضا هیئت مؤسس سندیکای شرکت واحد را بازداشت کرده اند. اسامی بازداشت شدگان سنندج عبارتند از: صدیق کریمی، اقبال لطیفی، یدالله مرادی، نجمه الدین رجبی، فاروق گویلی، انور مفاخری، صدیق امجدی، حبیب الله کلکانی، محی الدین رجبی، صدیق سبحانی.

جمهوری اسلامی به این قناعت نکرده و فردای این روز نیز تعدادی از فعالین کارگری سنندج را دستگیر کرد که عبارتند از: شیت اماتی، وریا زمانی، خالد سواری و طیب چتانی که در

سولهای انفرادی مرکز اطلاعات سنندج هستند.

حمله به مراسم اول مه سنندج و دستگیری و بازداشت کارگران و فعالین کارگری این شهر و بازداشت کارگر شرکت واحد در تهران به جرم شرکت در مراسم اول مه، نه تازه است و نه دور از انتظار. جمهوری اسلامی با دستگیری و زندان و مخالفان کارگران و مبارزین و مخالفان قبل از اول مه محمود صالحی را دستگیر و زندانی کرد. حکم زندان تعلیقی برای محسن حکیمی، جلال حسینی و برهان دیوارگر صادر کرد. اینها بخشی از تلاش جمهوری اسلامی برای ساکت کردن طبقه کارگر و مردم معترض است. هم اکنون تعدادی از معلمان در زندانند.

کارگران! مردم آزادخواه!

تعرض به مراسم روز کارگر و دستگیری و زندانی کردن کارگران به جرم شرکت در مراسم اول مه، تعرض به طبقه کارگر و بی حرمتی به همه ماست. این وضع را نباید تحمل کرد. کارگران زندانی چشم به انتظار تلاشی از جانب ما هستند. آنها را نباید تنها گذاشت. کارگران دستگیر شده فوری و بدون قید و شرط باید آزاد شوند. خانواده دستگیر شدگان

سنندج و تعدادی از همکاران آنها بعد از این ماجرا در مقابل کلانتری ۱۲ این شهر تجمع کردند. ۳۰ نفر از کارگران شرکت واحد برای آزادی یعقوب سلیمی در مقابل دادسرای کل تهران متحصن شدند.

کارگران ایران و مردم نباید این بی حرمتی را تحمل کنند. حزب حکمتیست از هیچ تلاشی برای آزادی این دوستان کوتاهی نخواهد کرد. این وظیفه کارگران سنندج و مردم مبارز این شهر است که به هر شیوه که میتوانند، به دستگیری کارگران سنندج اعتراض و خواهان آزادی فوری آنها شوند. کارگران شرکت واحد تهران و بقیه مراکز کارگری نباید یعقوب سلیمی و محمود صالحی و دستگیر شدگان اول مه سنندج را از یاد ببرند. تا اینها در زندانند نباید گذاشت آب راحت از گلوی مسئولین جنایتکار جمهوری اسلامی پایین برود. به هر شیوه که میتوانید به این حق کثیف و قلدری آشکار علیه کارگران ایران اعتراض کنید.

حزب کمونیست کارگری

ایران_ حکمتیست

۱۳ اردیبهشت، ۳ مه ۲۰۰۷

تهران:

در تهران مراسم دولتی خانه کارگر با اعتراضات و حرکات مستقل کارگران و حمایت دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب همراه بود. علیرغم همه تدابیر خانه کارگر و حضور نیروهای ضد شورش جمهوری اسلامی، اما با خروج صفوف به هم پیوسته کارگران و دانشجویان مواجه شد. سخنرانی محبوب با اعتراض وسیع کارگران روبرو گشته و نتوانست سخنان خود را به پایان برساند. سپس فردی که او را بعنوان نماینده کارگران "ایران خودرو" معرفی کردند شروع به سخنرانی کرد. در طول این سخنرانی کارگران دست از فریاد شعارهای خود برنداشتند و به سمت میدان هفت تیر به راه افتادند. تعدادی از شعارهای کارگران عبارت بودند از: "کارگر، دانشجو، اتحاد اتحاد، تشکل و اعتصاد حق مسلم ماست! کارگر معلم اتحاد اتحاد، مرگ بر حامی سرمایه دار، محمود صالحی آزاد باید گردد، مرگ بر دولت سرمایه دار، کارگران جهان متحد شوید."

پس از حضور چند هزار نفری کارگران در خیابان مفتح، خیابان کاملاً بسته شد. البته با این حال

نیروی انتظامی به فرماندهی سرهنگ همتی معروف (فرمانده سرکوب تمام حرکت های اعتراضی) به ماشین ها فرمان حرکت می داد و بدین وسیله سعی در پراکنده کردن جمعیت داشت. نیروی انتظامی برای ارباب جمعیت چند بار سعی کرد دست به دستگیری های پراکنده ای بزند ولی در نهایت ناباوری با برخورد شدید و خشمگینانه کارگران رو به رو شد و در این بین چند سرهنگ از جمله سرهنگ همتی از ضربات مشت و لگد کارگران بی نصیب نمانده و به داخل جوی آب پرت شدند. در لحظاتی که کارگران با برخورد های خشونت آمیز نیروی انتظامی رو به رو می شدند شعارهایی از این دست سر داده می شد:

"نیروی انتظامی خجالت خجالت حکومت زور نمی خوایم پلیس مزدور نمی خوایم نیروی انتظامی نوبت ما هم میشه" لازم به ذکر است که اولین برخورد خشونت آمیز کارگران با نیروهای حکومتی هنگامی بود که یکی از نیروهای لباس شخصی سعی کرد پلاکارد "کارگران جهان متحد شوید" را پایین بکشد.

در ادامه حرکت کارگران به سمت میدان هفت تیر، نیروهای پلیس که بر خودروهای قاطع کارگران را دیده بودند،

ص ۴

گرایشات بازدارنده و موانع راه اتحاد کارگر را میشناسد و به آن نقد سریع و روشن و طبقاتی دارد. در اول مه امسال همه گرایشات و همه بوجونها به نوعی احساس میکردند باید با هم بود. اما پیشروی و قد علم کردن طبقه کارگر در گرو پا پیش گذاشتن کارگران کمونیست و سنتی است که نقد کار مزدی را هدف خود گذاشته است و روشن و بی ابهام متکی به سنت خود است و نقد روشن و طبقاتی به سنتهای غیر کارگری در این جنبش دارد.

اگر هنوز و متأسفانه امسال هم شاهد عروج وسیع و قدرتمند طبقه کارگر در اول ما هم در ایران نیستیم، اگر صف اعتراض و تجمع کارگران در تهران را هنوز کارگر نفت و مراکز کلیدی در صف مقدم آن نیستند، و اگر این مهم بخشا به فاکتور کل اوضاع سیاسی بر میگردد، یکی از فاکتورهای مهم نیز این است که هنوز کارگر کمونیست به عنوان رهبر با نفوذ و قابل اعتماد، روشن و قاطع با روشنی و داشتن مرز روشن و سریع با سایر گرایشات پا پیش نگذاشته است. تلاش برای تامین این مهم اولین مرحله ایجاد هر اتحاد وسیع و محکمی در میان طبقه کارگر ایران است.

مخالف مختلف نشستند و با هم مشورت کردند و تلاش کردند قانع کنند که راه این است. تلاش کردند روز اول مه روزی باشد که در فردای آن درجه ای از اتحاد در میان کارگران ایجاد شده باشد. این تلاش خارج از هر ارزیابی که وجود داشته باشد قابل تقدیر است و در همین حد تأثیر مثبت خود را گذاشت، اما کافی نیست.

سنتهای بازدارنده در جنبش کارگر، تأثیر سنتهای حاشیه ای و غیر کارگری و کنار زدن آنها در جنبش کارگری تنها در تلاش برای اتحاد کنار گذاشته خواهند شد. راه سر راست به میدان آمدن تمام قد سنتی است که منفعت کل طبقه کارگر را قطب نمای حرکت خود کرده است. سنتی که روز کارگر برایش، اعلام منفعت مشترک با کارگران جهان به عنوان یک طبقه است. گرایشی که هر جا باشد، منفعت عمومی طبقه کارگر برایش اصل است. گرایشی که نقد کامل بی کم و کاست به کل نظام سرمایه داری دارد، که کارگر را یک طبقه میداند و علیه تمام بندهایی است که تحت نام وطن، ملت، زبان و رنگ به کارگران آویزان میکند. این سنت که خود را در مقابل کل طبقه کارگر مسئول میداند و روشن و بی توهم خواهان لغو کار مزدی است. این سنت که

همه آنها جایش اینجا نیست. اما تلاش رژیم در اول مه و قمه چرخانی و عربده کشی حزب الله علیه کارگر و مردم در اول مه بخشی از نقشه درازمدت تر جمهوری اسلامی بر بستر اوضاع کنونی منطقه است.

اول مه امسال میتوانست از اینجا فراتر برود. میتوانست نقشه شوم جمهوری اسلامی را نقش بر آب کند. برای این امر احتیاج به درجه بسیار بالاتری از اتحاد در میان کارگران و تلاش همه جانبه تر از جانب رهبران و فعالین کارگری و کمونیست است.

در این تردیدی نیست که در اول مه امسال از جانب فعالین کارگری و کمونیستها تلاش شد سطحی از اتفاق ایجاد شود. تلاش شد درجه ای از اتحاد بوجود بیاید. تلاش شد پیوندی میان اعتراض کارگر و بخشهای معترض دیگر در دفاع از حقوق مشروع و انسانی آنها ایجاد شود. اینها را در کل این پروسه و در خود اعتراضات روز کارگر میتوان دید. دفاع از معلمان و مبارزات آنها، علیه دستگیری فعالین دانشجویی و شعارهای کارگر، دانش معلم اتحاد، گویای این تلاش بود. از مدتها قبل از اول مه رهبران کارگری و فعالین کمونیست و برابری طلب تلاش کردند و شهر به شهر گشتند و در

با بسیج چاقوکنشان حزب الله به جان دانشجویان افتادند. همزمان با اینها پروژه ارتجاعی رعایت پوشش اسلامی پیش کشیدند و دست به تهدید و ارباب علیه زنان زدند. در کل این مدت مراسم آدم ربایی آنها فعال بود و در مواردی دانشجویان را شبانه ربوده و با کتک و شکنجه و تهدید، روبرو ساختند. این تلاشها بدنبال شکست آمریکا در عراق و کشمکش با جمهوری اسلامی به بهانه اتمی و به عنوان بخشی از تقلاي رژیم جهت به شکست کشاندن مردم معترض در فضایی است که سیاست دول غربی برایش ایجاد کرده است. تلاشهای جمهوری اسلامی در کل این پروسه و نقشه و تهدید و ارباب آنها در اول مه بر بستر همین اوضاع باید مورد توجه قرار گیرد. تأثیر سیاست ارتجاعی دول غربی و در راس آنها دولت بوش و سیاستهای اعمال شده آن در منطقه و احساس قدرت جمهوری اسلامی بعد از شکست آمریکا در عراق، به جمهوری اسلامی فرصتی داده است که علیه طبقه کارگر و مردم معترض استفاده میکند.

اینکه نهایت این صف بندی میان مردم معترض و جمهوری اسلامی به کجا خواهد کشید، بستگی به عوامل زیادی دارد که پرداختن به

اول مه تلاشی برای اتحاد، جدالی علیه سرمایه



مراسم اول مه امسال جدالی آشکار و روشن میان جمهوری اسلامی و طبقه کارگر بود. جمهوری اسلامی هم با تمام ارگانهای مختلف آن از وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی و لباس شخصی و آخوند و اداره کار و خانه کارگر و انواع ارگان سرکوبگرش از مدتها قبل خود را برای تقابل با کارگران آماده کرده بودند.

از مدتها قبل مراکز اطلاعات آنها شروع به تهدید فعالین کارگری و نه تنها اینها بلکه دانشجویان، فعالین کمونیست، شخصیتهای خوشنام و سخنگویان نهادهای انسانی کردند. احضار کردند، تهدید کردند و هشدار دادند که در این روز تحت نظر هستند و هرچه اتفاق افتد از چشم آنها میبینند. پرونده چند ساله فعالین کارگری سفر را زنده کردند، جلال حسینی، برهان دیوارگر و محسن حکیمی را حکم تعلیقی دادند و محمود صالحی را دستگیر و روانه زندان کردند. برای شکستن فضای اعتراضی در دانشگاه و برای ترساندن فعالین دانشجویی نقشه ریختند و سرانجام در دانشگاه امیر کبیر تهران بهانه تراشیدند و

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اول ماه مه و کارگران افغانی



برهان دیوارگر

مهاجرین افغانی در ایران سالهاست با بدترین شیوه‌های غیر انسانی از طرف دولت و کارفرمایان استثمار میشوند و حرمت انسانی آنها لگد مال میشود. این مهاجرین همسرنوستان ما هستند. مهاجرینی که ناخوایسته و بر خلاف میل باطنی خود آلت دست سیاستهای حاکمان خود شده و برای فرار از جنگ و کشتار به ایران پناه آورده اند و در ایران هم گرفتار دولتی فاشیست، نژاد پرست و ضد انسانی گردیده اند. کسی نیست به داد این قشر زحمتکش برسد، و دفاعی نماید. هر روزه شاهد کشته شدن چند کارگر افغانی در محل کار هستیم. ولی کسی اهمیت نمیدهد که چرا کشته شدند چون دارای هیچ گونه حق و حقوقی نمیباشند. در کشور ایران که صدای مهربورری و عدالت خواهی حاکمانش گوش همه را کر کرده است وضعیت مهاجرین افغانی تکان دهنده و به یک تراژدی تبدیل شده است. از سال گذشته که روند اخراج مهاجرین افغانی شدت پیدا کرده است، نیروی انتظامی با همکاری شهرداری، وزارت کار و وزارت کشور یورش وسیع و سازمانیافته ای را بر علیه این انسانهای

های که ذکر شد با تحقیر و با ضرب و شتم روبرو میشوند پول و هر چی که برد بخور باشند را از آنها میگیرند و با وضعی بسیار غیر انسانی روانه افغانستان میشوند. در روز جهانی کارگر کارگران سراسر جهان با شعار کارگران جهان متحد شوید و شعار همبستگی بین المللی این روز را به روز اعلام کیفر خواست جهانی طبقه کارگر بر علیه نظام سرمایه داری تبدیل میکنند اما در کنار گوشمان و جلوی چشممان ما کارگران افغانی را با غیر انسانی ترین شیوه اخراج و سرکوب میکنند و ما همچنان نظاره گر این تراژدی هستیم، در حالی که باید اعتراض به اخراج کارگران افغانی جز مطالبات ما در این روز میبود.

کارگران و مردم آزادیخواه ایران باید به این مسئله غیر انسانی اعتراض کنند و مانع اخراج مهاجرین افغانی بشوند.

اکثر افغانی های ساکن ایران بیشتر از بیست سال است که در ایران با کمترین دستمزد سخت ترین و شاق ترین کار را انجام داده اند و توقعی به غیر از اینکه اجازه کار کردن در ایران را داشته باشند نداشته اند. در حالی که این ابتدائی ترین حق هر انسانی است که کار و زندگی نماید. رژیم جمهوری اسلامی که



اجرای سیاستهای جنگ طلبانه و غیر انسانی به غیر از خفقان، سرکوب، کشتار، تورم و گرانی چیزی برای مردم به ارمغان نیاورده است سعی دارد مشکل بیکاری و فقر را به گردن مهاجرین افغانی بیاندازد تا برای مدتی صدای اعتراض مردم را به این بهانه خاموش نماید، در حالی که نه تنها مردم بلکه خود جمهوری اسلامی ایران به خوبی آگاه است که با اخراج کردن افغانی های ساکن در ایران مشکل بیکاری برطرف نمیشود و این مشکل را باید در اجرای سیاستهای غلط خودشان جستجو نمایند. دوستان باید به هر شیوه ممکن مانع اخراج مهاجرین افغانی بشویم باید کودکان آنها را همانند کودکان خودمان در مدرسه و کلاس درس ببینیم نه اینکه شاهد اخراج کودکان افغانی تنها به بهانه خارجی بودن باشیم یک لحظه

خودمان را جای آنها بگذاریم و فکر کنیم که اگر ما از ایران مجبور به مهاجرت به افغانستان میشدیم آیا سزاور چنین رفتاری بودیم. نهادهای حقوق انسان، نهادهای مدافع حقوق کودکان و زنان و تشکلهای کارگری و دانشجویی و همه انسانهای آزادیخواه در اینباره مسئول هستند و باید برای جلوگیری از اخراج افغانی های ساکن در ایران تدبیری بیندیشند و به این روند اخراج اعتراض نمایند.

با آگاه گری و ایجاد بستر فرهنگی مناسب دید مردم را که با افکار ضد انسانی و سمی ناسیونالیستی رژیم نسبت به افغانی ها در بین مردم ترویج شده است را زوده و همه مردم یک صدا به این مسئله اعتراض نمایند.

انسانیت مهم است، نه زبان و ملت!

ترکیه، اول ماه مه برون رفت از بحران را نشان میدهد

محمود قزوینی
ghazvini.m@gmail.com

اوضاع ترکیه دوباره بحرانی شد. با مطرح شدن امکان انتخاب عبدالله گل از حزب اسلامی عدالت و توسعه به پست ریاست جمهوری از طریق انتخابات مجلس، احزاب ناسیونالیست سکولار با رجوع به قانون اساسی لائیک ترکیه به این امر اعتراض کردند، ارتش ترکیه تهدید به دخالت کرد و بخش وسیعی از مردم در وحشت از اسلامیزه شدن ترکیه، خواهان جلوگیری از در اختیار گرفتن پست ریاست جمهوری ترکیه از طرف حزب حاکم اسلامی شده اند.

دولت در سال 1997، به تکلیف افتادند. جنبش ناسیونالیسم ترک که خمیر مایه مشترک همه احزاب ارتجاعی بورژوازی ترکیه است را به تحریک وسیع در آوردند. میخوانند با جنبش ناسیونالیستی ترک که احزاب سوپر افراطی ناسیونالیستی را هم در بر میگیرد و با تهدید ارتش به کودتا جلوی جریان اسلامی را سد کنند. احزاب ناسیونال - سکولار ترکیه که همه آنها در سرکوبگریها و کودتاها و نیمه کودتاها و در رنجها و ستمها و فقر و بدبختی مردم کارگر و زحمتکش ترکیه دخیل بوده اند، مورد نفرت مردم ترکیه اند. قدرمند شدن حزب اسلامی در ترکیه، خود نتیجه مستقیم حاکمیت و برنامه و عملکرد این احزاب است.

تهدیبات ارتش فقط برای روحیه بخشیدن و نیرو دادن به احزاب ناسیونالیستی ترک است. کودتایی در ترکیه در کار نیست و ارتش قادر به کودتا نیست.

به دلیل عدم حضور یک صف قدرتمند سوسیالیستی در این دعوا،

ارتش و احزاب ناسیونالیست ترک به عنوان ناجی سکولاریسم در اذهان جا میگیرند و جریان اسلامی به عنوان ناجی نجات از دست ارتش و بدبختیهای که ارتش ترکیه و این احزاب سالها بر مردم حاکم کرده اند. مردم ترکیه خود را مجبور میبینند از دست این یکی به آن یکی پناه برند و از دست آن یکی به این یکی. به نظر میاید دوره حاکمیت حزب اسلامی به سر آمده و حالا نوبت احزاب ناسیونالیست ترک است.

به دلیل عیار بالای سکولاریسم در جامعه ترکیه و تعبیه بودن موانع قانونی قوی در قوانین کشور که آزادی عمل جریانات مذهبی را سد میکند، حاکم شدن حزب اسلامی در مجلس و دولت ترکیه، نتوانست به ترکیه رنگ و چهره اسلامی بزند. برعکس حزب حاکم اسلامی بیشتر مانند یک حزب متعارف تمام عیار بورژوازی ترکیه عمل کرد. در سیاست خارجی، ترکیه به عنوان یک متحد آمریکا و اسرائیل باقی مانده است و مکان ترکیه در سیاست جهانی و منطقه ای تغییری نکرده است. تلاشهایی اسلامی این حزب جامعه را آلوده کرده است، اما پیشروی آن با سد جدی در ترکیه روبرو شده است. اخطار اروپا و آمریکا به ارتش ترکیه و حمایتشان از "دموکراسی و

انتخابات" در ترکیه از اطمینان خاطرشان از حزب اسلامی عدالت و توسعه و نقش و کارکرد آن ناشی میشود. دولتهای اروپا و آمریکا هیچ گونه نگرانی از سلاخی شدن مردم به دست اسلاميون ندارند. شکی نیست که در دست گرفتن پست ریاست جمهوری ترکیه برای اسلاميون یک قدم بزرگ به جلو برای به جلو آوردن چهره اسلام در ترکیه است. با در دست گرفتن پست ریاست جمهوری، حزب اسلامی عدالت و رفاه، هم چهره اسلامی خود را بیشتر نمایان میکند و هم جنبش اسلامی تعرضی تر و اکتیو تر میشود.

در ترکیه نمایانتر شدن اسلامیت حزب حاکم و اکتیو شدن جنبش اسلامی، به سرعت با یک موج برگشت قوی روبرو میشود. سوال این است که آیا این موج برگشت دوباره به دامن ارتجاع ناسیونالیستی میافتد و ناسیونالیسم ارتجاعی ترک از آن بهره میبرد و احزاب ناسیونالیستی ترک دو باره نوبت ارتجاع اسلامی را عمیق تر و گسترده تر فراهم میکنند؟

این دور باطل را فقط جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر میتواند بشکند. مراسم و تظاهرات اول ماه مه امسال در ترکیه یک نمونه از



حضور این جنبش در این جدال بوده است که با سرکوب شدید پلیس روبرو شده است. تظاهرکنندگان اول ماه مه استانبول با شعار زنده باد از سکولاریسم، نه به حزب اسلامی و نه به دخالت ارتش به میدان آمده بودند. مسئله برای هر فعال سوسیالیستی این است که آیا جنبش سوسیالیستی کارگری در ترکیه میتواند حضور خود را در این جدال همیشگی، مستقل و همه جانبه کند؟ برای حضور دائمی در این جدال، سوسیالیسم و کارگر در ترکیه نیاز به یک حزب روشن بین کمونیستی کارگری دارد. حزبی که مبارزه کارگر و مردم ترکیه را در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هدایت و رهبری کند و آن را به آزادی و برابری منتج سازد.

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!

از صفحه ۲

اول مه ۸۶

این بار با تعدادی بیشتر و مسلح به سپر و باتوم و تعدادی نیز سوار بر موتورهای کراس قرمز رنگ به خیابان ریختند و سعی کردند سر هر کوچه و خیابان فرعی جمعیت را به بیراهه هل دهند که در این کار ناموفق ماندند و به هر ترتیب که بود جمعیت پس از زد و خورد بسیار خود را به میدان هفت تیر رساند و در آنجا نیز فریادهای اعتراض ادامه پیدا کرد و بدین ترتیب مراسم حکومتی خانه کارگر به مراسمی ضد حکومتی و بر علیه نظام سرمایه داری تبدیل شد که در آن نه تنها کارگران به دلکچ های خانه کارگر اجازه سخنرانی ندادند بلکه آنها را به حاشیه رانده و مراسم شان را بر هم زدند و خود پرچم دار اعتراض خود شدند. بنا به اخبار رسیده منصور اسالو که در راهپیمایی کارگران بازداشت شده بود همراه با ۳۰ نفر دیگر از رانندگان شرکت واحد به نشانه اعتراض در مقابل اداره شهروندی تهران تحصن کردند.

سندج:

تجمع و راهپیمایی کارگران در شهر سندج مورد هجوم نیروهای انتظامی و لباس شخصی قرار گرفت. صدها کارگر با خانواده‌هایشان در جلو ساختمان روابط کار در خیابان آبیتر سندج به مناسبت اول مه تجمع کردند نیروهای انتظامی به صفوف کارگران حمله کردند و تعدادی را دستگیر و با خود بردند. کارگران

از خیابان آبیتر به طرف میدان آزادی حرکت کردند که با برخورد شدید نیروهای انتظامی مواجه شدند. پلاکاردها و تراکتهای مربوط به اول مه توسط نیروهای امنیتی از دست مردم گرفته می شد. دوربین فیلم برداران و عکاسان توسط لباس شخصی ها طیب واز تهیه عکس و فیلم ممانعت می شد. فضای امنیتی شهر سندج را فرا گرفته است.

نیروهای امنیتی به سراغ تعدادی از فعالین انجمن های مدنی رفته و آنها را به اداره اطلاعات فراخوان داده اند. اسامی دستگیر شدگان عبارتند از: ۱- صدیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

۲- اقبال لطیفی
۳- یدالله مرادی
۴- صالح رحیمی
۵- نجمه الدین رجبی
۶- فاروق گویلی
۷- انور مفاخری
۸- صدیق امجدی
۹- جمیل خداکرمی
۱۰- شیت امانی مورد ضرب و شتم قرار گرفته وهم اکنون آزاد شده است.

مریوان:

مراسم گرمی داشت روز جهانی کارگر در مریوان به زود خورد کشیده شد.

آخرین اخبار رسیده حاکی است که تعداد ۵۰ نفر از کارگران در محاصره پلیس در آمده و سلام قادری و کامیل همتی و کاروان در سید، دستگیر شده اند.

سقز:

بنا به اخبار رسیده امروز قبل از برگزاری مراسم ۱۱ اردیبهشت در شهر سقز عمر شاکری، اسماعیل نیازی، محمد محمودی و شخص دیگری به نام هیوا دستگیر و تا لحظه رسیدن این خبر در بازداشت به سر میبرند و از مکان بازداشت آنها اطلاعی در دست نیست.

و چه چیز میتواند شورانگیز تر از آن باشد که اول مه طبقه کارگر در سراسر جهان به مسیبین منجلاب سرمایه، اعلام ایست بدهد! اول مه، در صفوف میلیونی به میدان بیاید، قدرت طبقاتی اش را به نمایش بگذارد و اعلام کند که برای پایان دادن به بردگی مزدی، برای پایان دادن به فقر و جنگ و تباهی، و برای ساختن یک دنیای بهتر، خود را آماده میکند و عزم جزم کرده است! بی تردید دولت سرمایه ای که یک فرمان ایست و "دیگر پس است" از طبقه کارگر دریافت کرده باشد، در اولین قدم لجام گسیخته اش، در سرکوب و تحمیق و توحش را، سفت خواهد کرد. طبقه کارگر میتواند در روز جهانی اش، این فرمان را صادر کند.



تماس با حزب

کورش مدرسی لیدر حزب

koorosh.modarresi@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۷۷۴۸۶۳۰۸۳۳

خالد حاج محمدی معاون لیدر

khalehdhaji@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۴۸۵۷۵۴

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان

husienzade_r@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی

fateh_sh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۴۸۵۷۵۴

عبدالله دارابی فرمانده گارد آزادی

darabiabe@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۴۸۵۷۵۴

مهرنوش موسوی دبیر کمیته خارج کشور

mehrnousch@aol.com

بهرام مدرسی دبیر کمیته کل کشور

bahrammodarresi@gamil.com

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱

جمال کمانگر دبیر سازمان جوانان حکمتیست

jamalkamangar@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

دبیر خانه حزب

mail@hekmat.com

تلفن: ۰۰۴۹۷۸۳۰۲۷۹۵۲۶

رضا کمانگر مسئول روابط عمومی حزب

r_hekmatist@yahoo.com

تلفن: ۰۰۵۲۸۴۰۵۶۲۹۵۴۸

سایتهای حزب و نهادهای نزدیک به حزب

www.hekmatist.com

www.jawanx.com

www.marxhekmatociety.com

www.iran-telegraf.com

www.oktoberr.org

www.hekmat.public-archive.net

به حزب حکمتیست کمک مالی کنید!

کمکهای خود را میتوانید به شماره حساب زیر واریز کنید:

Name: A.J

Bank: NatWest

Account No: 65041283

Sort code: 601520

اولین برنامه تلویزیون هر روزه پرتو روز جمعه ۴ مه، پخش میشود!

شامل مهمترین مسائل روز:

گزارشاتی از اول مه در ایران و دنیا

اوضاع سیاسی ایران - گفتگو با کورش مدرسی

تلویزیون پرتو هر شب ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ به وقت تهران از کانال ۶ روی ماهوراهات برد پخش میشود.

این برنامه روز بعد ساعت ۲ تا ۳ بعد از ظهر به وقت تهران تکرار میشود.

به حکمتیست ها به پیوندید!